

اشتباه در ((خون موضوع)) معامله در حقوق ایران و فرانسه

قانون مدنی ایران، قبل از اینکه در ماده ۲۰۰ حکم راجع به اشتباه در خودموضوع و در ماده ۲۰۱ حکم اشتباه در شخص طرف معامله را بیان کند، در ماده ۱۹۹ حکمی کلی راجع به اشتباه و اکراه آورده بدین شرح که: « رضای حاصل در نتیجه اشتباه یا اکراه موجب نفوذ معامله نیست ». این ماده از ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی فرانسه گرفته شده که میگوید: « اراده در صورتی که در نتیجه اشتباه یا اکراه یا تدلیس حاصل شده باشد بهیچ وجه معتبر نیست ». فرق اساسی بین ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی فرانسه و ماده ۱۹۹ قانون مدنی ایران آن است که در این ماده تدلیس از عیوب اراده و موجب عدم نفوذ بشمار نیامده است و قانونگذار ایران در این خصوص از فقه اسلامی پیروی کرده و تدلیس را فقط از علل فسخ شناخته است (ماده ۴۳۹ قانون مدنی).

در مورد اشتباه حکم کلی مندرج در ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی فرانسه و ماده ۱۹۹ قانون مدنی ایران در مواد بعدی (ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی فرانسه و مواد ۲۰۰ و ۲۰۱ قانون مدنی ایران) تفسیر گردیده و از اینرو اشتباه مذکور در آن مواد به مواردی حمل میشود که در مواد بعدی بیان شده است.

در ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی فرانسه اشتباه فقط در دو مورد موجب بطلان نسبی (که مفهومی نزدیک به عدم نفوذ در حقوق ایران است) شناخته شده است: یکی اشتباه در خود موضوع معامله و دیگر اشتباه در شخص طرف معامله، در صورتی

که تصور شخصیت او علت اصلی عقد باشد. همین دو مورد در مواد ۲۰۰ و ۲۰۱ قانون مدنی ایران مورد نظر قرار گرفته و اشتباه در آنها مؤثر در عقد دانسته شده است. در این مقاله به بحث درباره اشتباه در خود موضوع در حقوق ایران و فرانسه و نظریات مختلفی که در تفسیر نصوص قانونی در این باب وجود دارد اکتفا میکنیم و چون قانون مدنی فرانسه در این خصوص منبع قانون مدنی ایران است نخست به بحث از اشتباه در خود موضوع در حقوق فرانسه میپردازیم.

بخش اول - اشتباه در خود موضوع معامله در حقوق فرانسه^۱

ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی فرانسه در زمینه اشتباه مقرر میدارد:

«L'erreur n'est une cause de nullité de la convention que lorsqu'elle tombe sur la substance même de la chose qui en est l'objet...»

که میتوان آنرا چنین ترجمه کرد: « اشتباه هنگامی موجب بطلان (نسبی) قرار داد است که مربوط به خود موضوع معامله باشد ». راجع به کلمه substance ما آنرا به خود ترجمه کردیم و قانونگذار ایران نیز در ماده ۲۰۰ آنرا به « خود »^۲ ترجمه کرده تفاسیر مختلفی شده است. سه نظریه در این باب وجود دارد: نظریه نوعی، نظریه شخصی و نظریه مختلط.

۱- رجوع شود به: مازو: حقوق مدنی، ج ۲، چاپ پاریس ۱۹۶۲، ش ۱۶۳ بعد؛ ریپر-بولانژه: حقوق مدنی، ج ۲، چاپ پاریس ۱۹۵۷، ش ۱۵۴ بعد؛ - مارتی ورنو: حقوق مدنی ج ۲، بخش ۱، چاپ پاریس ۱۹۶۲ ش ۱۲۳ بعد؛ - کارنیه: حقوق مدنی ج ۲، چاپ پاریس ۱۹۶۲، ش ۱۰۲ و ۱۰۵؛ - گدسه (اژن): نظریه کلی تعهدات، چاپ پاریس ۱۹۶۵ ص ۵۷ بعد؛ - ژولیو دولاموراندر: حقوق مدنی، (پرسی دالوز) ج ۲، چاپ پاریس ۱۹۶۱، ش ۳۲۶ بعد؛ - پلانیول - ریپر: حقوق مدنی، ج ۶، چاپ پاریس ۱۹۵۲، ش ۱۸۳ بعد.

۲- کلمه «خود» علاوه بر اینکه بعنوان ضمیر مشترک بکار میرود بمعنی شخص - ذات و وجود نیز آمده است (فرهنگ معین). در ماده ۲۰۰ قانون مدنی، معنی ذات با توجه به تفسیری که از این ماده خواهیم کرد مناسب تر بنظر میرسد.

الف - نظریه نوعی^۱ .

نخستین تفسیری که از کلمه substance شده است یک تفسیر نوعی و مادی است . طرفداران این نظریه میگویند: مقصود از سوستانس ماده‌ای است که مورد معامله از آن ساخته شده است .

اشتباه در سوستانس در حقوق رم دارای همین معنی بوده است . برای توضیح مطلب باید یادآور شد که در حقوق رم تا پایان قرن دوم میلادی فقط اشتباه در هویت موضوع معامله^۲ و شخص طرف معامله موجب بطلان تلقی میشد و اشتباه در « سوستانس » مطرح نبود . در اوائل قرن سوم پل^۳ و اولپین^۴ اشتباه در سوستانس^۵ را افزودند و برای آن معنایی بسیار محدود قائل بوده می گفتند : اشتباه در « سوستانس » عبارت است از اشتباه در ماده‌ای که موضوع معامله از آن ساخته شده است . مثلاً اگر کسی چیزی را به تصوری که از طلاست میخرد در حالی که از برنج ساخته شده بود معامله باطل تلقی میشد . بنابراین در حقوق رم ضابطه نوعی در این مورد پذیرفته شده بود . برای احراز اشتباه در خود موضوع (سوستانس) بهیچ وجه به اراده متعاملین توجه نمیکردند ، بلکه فقط اشتباه در ماده و جنس موضوع را موجب بطلان معامله میدانستند . معهدا برای اینکه تصور نادرستی از حقوق رم در زمینه اشتباه نداشته باشیم باید یادآور شویم که در مورد فروش بردگان و حیوانات ، در صورتی که پاره‌ای عیوب در موضوع معامله کشف میشد که مانع استفاده مورد نظر از آن بود ، خریدار میتواند استفسار یا تخفیف قیمت را بخواهد . این وسائل فنی که نخست در بیعهای خاصی برای حمایت از خریدار در نظر گرفته شده بود بعدها

۱- Théori objective

۲- Erreur sur l'identité de l'objet = error in corpore مقصود آن است که هر یک از طرفین موضوع خاصی را در نظر داشته و توافق اراده در باره موضوع وجود نداشته باشد چنانکه دوتن بخواهند یک تابلوی نقاشی معامله کنند ولی نظر خریدار به یک تابلوی معین و نظر فروشنده به تابلوی دیگر باشد .

۳- Paul

۴- Ulpian

۵- Error in substantio

به هریعی که موضوع آن منقول یا غیر منقول بود تعمیم یافت. البته رومیان همیشه به نظریه نوعی وفادار بودند و صورتی از عیوبی که مانع استفاده مطلوب از موضوع معامله به زعم آنان میشد تهیه کرده بودند. و فقط در صورت وجود یکی از عیوب مزبور حق فسخ یا تخفیف قیمت به خریدار میدادند. عبارت دیگر در تأثیر اشتباه هیچگاه اراده طرفین را جستجو نمیکردند بلکه تنها در صورتی که اشتباه مربوط به ماده (جنس) مورد معامله میشد یا عیوب خاصی در موضوع معامله وجود داشت که خریدار در زمان وقوع عقد از آن آگاه نبود اشتباه در قرارداد مؤثر بود.

نظریه نوعی دارای این مزیت است که معیار ساده‌ای برای تشخیص اشتباه مؤثر در معامله بدست میدهد؛ لیکن این نظریه دارای نتایج نامناسب و غیر عادلانه است. مثلاً اولین اعلام میدارد که اگر تصور شود مورد معامله تماماً از طلاست در حالی که قسمت اعظم آن از مفرغ بوده و ضمناً کمی طلا داشته است معامله صحیح است، زیرا طلا در موضوع معامله وجود داشته است. آیا غیر عادلانه نیست که با وجود اندکی طلا در مالی که به تصور معامله کننده تمام طلا بوده است معامله را صحیح تلقی کنیم؟ همچنین بنابراین نظریه، اگر کسی تابلوئی را به تصور اینکه از نقاش معروفی است خریداری کند یا مالی را به تصور اینکه عتیقه است بخرد در حالی که تابلو از یک نقاش گمنام و مال مورد معامله جدید باشد، چون اشتباهی در جنس مورد معامله روی نداده معامله صحیح است، با اینکه در این گونه موارد اشتباه به همان اندازه مهم و در اراده متعامل مؤثر است که اشتباه در جنس. بنابراین، نظریه نوعی که در حقوق رم مورد قبول بوده کافی نیست و از اینرو نظریه شخصی که به اراده متعاملین توجه میکند پدید آمده است.

ب - نظریه شخصی

در حقوق قدیم فرانسه مفهوم شخصی اشتباه در خود موضوع مورد توجه قرار گرفت. پوتیه^۲ نخستین کسی است که مفهوم شخصی را در حقوق قدیم فرانسه

۱- Théorie subjective

۲- Pothier

وارد کرد. این حقوقدان بزرگ با اینکه مثالهایی از اشتباه در خود موضوع میآورد که همانند امثله حقوقدانان روسی است (من شمعدانهای مسین میخرم درحالی که میخواهم شمعدان سیمن خریداری کنم) معهذاً هنگامی که مسأله را توجیه میکند از نظریه رومیان دور شده اعلام میدارد که اشتباه در صورتی مربوط به « سوستانس » است که « راجع به وصفی در موضوع معامله باشد که متعاملین اساساً در نظر داشته‌اند ». در اینجا است که پوتیه معیاری که بکلی با معیار حقوق دانان روسی متفاوت است می‌پذیرد : در حالی که در حقوق رم به اراده متعاملین برای تحقق اشتباه در خود موضوع توجه نمیشد، در نظر پوتیه باید در این خصوص به اراده آنان توجه شود . اشتباه در خود موضوع هنگامی تحقق پیدا میکند که در وصف موضوع ، وصفی که در نظر متعامل اساسی بوده و او را به انجام معامله واداشته است ، اشتباه روی داده باشد. بنابراین اگر کسی مالی بخرد به تصور اینکه عتیقه است و بعد آشکار شود که جدید بوده است معامله بعلت اشتباه در خود موضوع باطل است . بدینسان کلمه سوستانس مفهوم شخصی پیدا میکند و به « وصف اساسی » موضوع تعبیر میگردد .

نظریه شخصی دارای نتایج کاملاً مخالف با نتایج حاصل از نظریه نوعی است زیرا :

اولاً با قبول نظریه شخصی در پاره‌ای موارد حکم به بطلان قرارداد میشود در حالی که در حقوق رم در این موارد قرارداد باطل تلقی نمیشد . مثلاً اگر کسی ظرفی مسین بخرد ، به تصوری که عتیقه است ، حال آنکه ظرف ساخت جدید باشد ، بنابراین نظریه نوعی ، چون اشتباهی در جنس موضوع معامله روی نداده معامله صحیح است اما بنابر نظریه شخصی میتوان به بطلان قرارداد حکم کرد .

ثانیاً بر عکس مورد فوق در پاره‌ای موارد که بنابر نظریه حقوق رم بطلان پذیرفته میشد، با قبول نظریه شخصی باید آنرا رد کرد : هرگاه ماده و جنس موضوع در نظر متعاملین اساسی نباشد اشتباه در آن طبق نظریه شخصی نباید موجب بطلان

معامله تلقی شود. فرض کنید کسی میخواهد یک مبل قدیمی بخرد که از فلان هنرمند است و تصور میکند که از چوب گردوست، درحالی که از چوب دیگری است؛ این معامله صحیح است چه وصف اساسی در اینجا قدمت و انتساب به هنرمند معین است نه جنس معین^۱.

قانون مدنی فرانسه - با اینکه نویسندگان قانون مدنی فرانسه اصطلاح لاتینی اشتباه در سوبستانس را در ماده ۱۱۱ بکار برده اند، کارهای مقدماتی این قانون نشان میدهد که آنان نظریه حقوق رم را نپذیرفته و دید وسیعتری از اشتباه در « خود موضوع » داشته اند. در مورد عیوب مخفی مورد معامله، ماده ۱۶۴۱ قانون مدنی فرانسه، صریحاً قصد خریدار را ملاک قرار داده و عیبی را منشأ اثر دانسته که اگر خریدار از آن آگاه میشد اقدام به خرید نمیکرد. در واقع نویسندگان قانون مدنی فرانسه نظریه پوتیه یعنی نظریه شخصی را در این باب در مدنظر داشته اند و این نکته از مذاکراتی که در مجالس قانونگذاری فرانسه در این زمینه روی داده است بخوبی نمایان میگردد. بطور کلی علمای حقوق و رویه قضائی فرانسه با نظریه شخصی موافقت، هرچند که بعضی از علماء و پاره‌ای آراء آنرا با حدود و قیودی پذیرفته اند

انتقاد از نظریه شخصی - نظریه شخصی محض مورد انتقاد بعضی از حقوق دانان واقع شده است چه منتهی به ناپایداری و عدم امنیت در معاملات خواهد شد. ممکن است یکی از متعاملین تصور خاص و کاملاً فردی و حتی بوالهوسانه از مورد معامله داشته باشد و اوصافی را اساسی بداند که در نظر عرف غیر اساسی باشد. اگر نظریه شخصی محض را بپذیریم باید بگوئیم هر جا که در وصفی که در نظر یکی از متعاملین اساسی بوده اشتباهی روی داده باشد معامله باطل است و این بطلان به طرف دیگر معامله تحمیل میشود، اگر چه از اشتباه طرف خود هیچگونه اطلاعی نداشته باشد. مثلاً کسی که کتابهای صحافی شده بوسیله فلان صحاف معروف قرن هجدهم را خریداری و جمع آوری میکند، به کتابی برمیخورد که تصور میکند بوسیله

۱- گدسه: نظریه کلی تعهدات، ص ۴۵۹- کاربردیه، ش ۱۰۲.

همان هنرمند صحافی شده است و بعد معلوم میشود که صحافی از یک هنرمند معروف دیگر است که ارزش کارهایش کمتر نیست. بنابراین نظریه شخصی محض، اشتباه در اینجا مربوط به وصف اساسی موضوع معامله است و باید معامله قابل ابطال باشد، با اینکه عادلانه نیست که بطلان را به فروشنده‌ای که از تصور غلط خریدار اطلاع نداشته و کتابی را که ارزش آن در نظر عرف کمتر از کتاب مورد نظر خریدار نبوده فروخته است تحمیل کنیم.

با توجه باین اشکال بعضی از حقوقدانان فرانسه نظریه ثالثی را که مختلط و واسطه بین نظریه نوعی محض و نظریه شخصی محض است پذیرفته اند.

ج - نظریه مختلط

بموجب این نظریه سرنوشت قرارداد تابع فکر شخصی یکی از متعاملین نیست بلکه معیار اشتباه، فکر عمومی و عرف و عادت است. پاره‌ای اوصاف در موضوع معامله از نظر عرف اساسی است و اشتباه در این اوصاف است که موجب بطلان معامله می‌گردد. ابری و رو با قبول این راه حل میانه کلمه substance را چنین تعریف کرده‌اند: « منظور از سوستانس نه فقط عناصر مادی موضوع است بلکه علاوه بر آن، خصوصیات است که اجتماع آنها طبیعت خاص موضوع را در نظر عرف تشکیل میدهد و آنرا برحسب مفاهیم عمومی از اشیائی که از نوع دیگر هستند جدا میکند»^۱ مقصود اینست که اگر اشتباه در وصفی روی دهد که عرفاً اساسی است و عموماً معامله کننده را به انجام معامله و امیدارد این اشتباه موجب بطلان نسبی است.

اژن گدسه نیز با بیان دیگر همین نظریه را پذیرفته میگوید: « یک طبقه بندی از اشیائی که موضوع تجارت هستند در افکار عمومی (عرف) وجود دارد که تنها برحسب طبیعت مادی آنها نیست بلکه بسیاری عوامل دیگر مانند فایده - کیمیایی و غیره در آن دخالت دارند و از اینجا انواعی از کالاهای تجارتي پدید آمده که

۱ - ابری - رو Anbry-Rau: حقوق مدنی فرانسه، ج ۴، چاپ ششم، پاراگراف ۳۴۳

مورد قبول همه مردم است . وصف اساسی آن است که چیزی را در یکی از طبقات و انواع مورد قبول عرف قرار دهد»^۱ .

قانون مدنی آلمان نیز از نظریه مشابهی پیروی کرده است . بموجب بند ۲ از ماده ۱۱۹ این قانون اشتباه در اوصافی که در روابط تجارتي اساسی محسوب میشود معامله را قابل ابطال میسازد^۲ .

نظریه مختلط با نظریه حقوق رم از این جهت متفاوت است که اشتباه مؤثر را به اشتباه در ماده و جنس مورد معامله محدود نمیکنند ، بلکه یک عامل فکری و ارادی را در نظر میگیرند . لیکن فکر و اراده‌ای که در اینجا مورد توجه واقع میشود فکر و اراده خاص متعاملین نیست بلکه فکر و اراده فرضی آنان برحسب عرف و عادت است . بدینسان بموجب این نظریه برخلاف نظریه رومی اعلام میشود که اشتباه در سویتانس وجود دارد ، هرگاه کسی یک شمش مفرغ که کمی طلا در آن بکار رفته به تصور اینکه از طلای خالص است ، خریداری کند ؛ چه از نظر عرف تجارتي نوع موضوع معامله با آنچه مورد نظر خریدار بوده تفاوت میکند . برعکس ، بنابراین نظریه ، اشتباه در نام صحاف کتاب در مثالی که در فوق گفته شد ، اساسی و موجب بطلان تلقی نمیشود ، چه این وصف عرفاً کافی نیست که موضوع معامله را در یک طبقه و نوع تجارتي دیگر قرار دهد . بعبارت دیگر چیزی که در نظر معامله کننده اساسی بوده عرفاً اساسی و علت اصلی عقد تلقی نمیشود .

اجرای ضابطه مذکور امری دقیق است و درپاره‌ای موارد ممکن است ایجاد اختلاف کند . مثلاً آیا اشتباه در مورد منشأ و قدمت مال باید اساسی تلقی شود . ابری و رو این گونه اشتباه را اساسی ندانسته‌اند ؛ لیکن این نظر خالی از اشکال نیست و نمیتوان بطور مطلق آنرا پذیرفت . باید دید آیا موضوع معامله طوری است که اختلاف در منشأ و قدمت آنرا در یک طبقه دیگر تجارتي قرار میدهد یا نه . فرض کنید خریدار

۱ - گدسه : نظریه کلی تعهدات ، ص ۶۰ .

۲ - مازو : ش ۱۶۶ ؛ گدسه : ص ۶۳ .

تصور میکند که تابلوئی که اثر فلان نقاش معروف است میخرد، در حالی که موضوع معامله تقلیدی از آن پیش نیست. این اشتباه اساسی است چه تابلوی اصیل و تابلوی تقلیدی یا عکس، از نظر تجارتمندی در یک طبقه قرار نمیگیرند و از یک نوع نیستند. لیکن اگر کسی قصد خرید یک تابلوی تقلیدی که تصور میکند نقاش معینی آنرا کشیده داشته باشد و بعد معلوم شود که نقاش دیگری آنرا کشیده است این اشتباه معمولاً اساسی نیست چه شخصیت تقلیدکننده در نظر عرف تعیین کننده و علت اصلی عقد محسوب نمیشود.^۱

رویه قضائی فرانسه

رویه قضائی فرانسه از دیرباز نظریه شخصی را در تفسیر ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی پذیرفته و در موارد بسیاری که اشتباه مربوط به جنس مورد معامله نبوده، بلکه در وصف اساسی آن بوده است، این ماده را اعمال کرده است. البته در آغاز، رویه قضائی فرانسه مردد بوده ولی در حدود سال ۱۸۷۰ این رویه تثبیت شده است. مثلاً اصالت یک اثر نقاشی وصف اساسی و اشتباه در آن اشتباه در خود موضوع تلقی شده است (دادگاه استیناف پاریس، رأی ۲۲ فوریه ۱۹۵۰، دالوز ۱۹۵۰، بخش رویه قضائی، ص ۲۶۹؛ رأی ۱۲ فوریه ۱۹۵۴، دالوز ۱۹۵۴، بخش رویه قضائی، ص ۳۳۷)؛ همچنین وصف طبیعی بودن مروارید (شعبه عرایض دیوان تمیز، رأی ۵ فوریه ۱۹۲۹، سیره ۱۹۳۱، بخش ۱، ص ۱۳۰)؛ قدمت مالی که بعنوان عتیقه خریداری شده (دادگاه لیون، رأی ۱۸ مارس ۱۹۳۱، دالوز ۱۹۳۳، بخش ۲، ص ۲۵)؛ توانائی حیوان برای کاری که مورد نظر خریدار بوده است (شعبه عرایض دیوان تمیز، ۱۲ مارس ۱۸۹۹، سیره ۱۸۹۹، بخش ۱، ص ۲۲۱؛ شعبه مدنی ۲۷ آوریل ۱۹۵۳، دالوز ۵۳، ص ۴۴) و ارزش زراعی زمینی که اجاره شده است (شعبه اجتماعی دیوان تمیز، ۴ مه ۱۹۵۶، ژوریس کلا سور ادواری ۵۷، بخش ۲، ش ۹۷۶۲). دادگاه استیناف رن در یک رأی مورخ ۱۷ ژوئن ۱۹۲۹ (گازت دوپاله ۱۹۲۹، بخش ۲

ص ۳۹۶) اعلام میدارد: « رویه قضائی قطعی امروز بر آن است که منظور از «خود موضوع» ضرورتاً یک عنصر مادی نیست بلکه وصف مشخصی است که عامل اصلی اراده بوده است ».

بدینسان ملاحظه میشود که رویه قضائی فرانسه نظریه شخصی و روانی را پذیرفته و کلمه substance را به وصف اساسی *qualité substantielle*^۱ تفسیر کرده است و علمای حقوق فرانسه نیز اصولاً با آن موافقتند.

لیکن باید یادآور شد که رویه قضائی فرانسه نیز نظریه شخصی را بطور مطلق نپذیرفته بلکه حدود و قیودی برای آن قائل شده است و میتوان گفت دادگاههای فرانسه نیز در این زمینه از یک نظریه مختلط و معتدل پیروی میکنند. از آراء دادگاههای فرانسه چنین برمیآید که رویه قضائی این کشور دو دسته از اوصاف اساسی تلقی میکند^۲:

۱ - اوصافی که عرفاً و عادةً باید در موضوع معامله وجود داشته باشد. مثلاً یک قطعه زمین، که در یک منطقه شهری واقع شده است، عادةً و در نظر عرف باید قابلیت ساختمان داشته باشد، و این وصف اساسی تلقی میشود. بنابراین، آنچه بعقیده ابری و رو وصف اساسی تلقی میشود، بموجب رویه قضائی فرانسه نیز از اوصاف اساسی است. لیکن اوصاف اساسی محدود به این گونه اوصاف نیست.

۲ - رویه قضائی فرانسه اوصافی را نیز که در نظر طرفین قرارداد اصلی بوده و فایده منظور طرفین از موضوع معامله به آن بستگی داشته باشد اساسی میداند. مثلاً زمین عادةً برای تأسیس مدرسه بکار نمیرود لیکن اگر طرفین چنین منظوری از زمین مورد معامله داشته باشند و بعد معلوم شود که موضوع معامله بدین منظور بکار نمی آید معامله قابل ابطال است.

۱ - منظور از *substantielle* چنانکه حقوقدانان فرانسه گفته اند *essentielle* است.

۲ - مازو: ش ۱۶۶، ص ۱۳۸.

اوصاف غیر اساسی

اوصاف زیر طبق پاره‌ای آراء قضائی فرانسه غیر اساسی است :

۱ - هرگاه معامله بالذات برای استفاده منظور، قابلیت داشته و بعبارت دیگر دارای وصفی که اساسی است باشد معامله صحیح است ، اگرچه متعامل بععل خاص و شخصی که خارج از قلمرو قرارداد است نتواند آنطور که امید داشته از آن استفاده کند . مثلاً اگر آپارتمان مورد معامله قابل سکونت است ، مهم نیست که کارمندی که آن را خریده بعلت انتقال به محل دیگر نتواند از آن بهره‌مند گردد . اگرخانه‌ای که کارمند خریده ، برای اینکه در دورهٔ بازنشستگی خود از آن برخوردار شود ، دارای وصف اساسی منظور است ، فوت خریدار قبل از بازنشستگی به صحت قرارداد لطمه‌ای نمیزند . این گونه اشتباه در غرض وداعی است و اغراض وداعی^۱ و بعبارت صحیح تر علل شخصی که مانع استفاده معامله کننده از موضوع معامله میشود ، طبق رویهٔ قضائی فرانسه ، در صحت قرارداد مؤثر نیست . برای اینکه داعی وارد قلمرو قرارداد شود و در آن مؤثر باشد لازم است بصورت شرط در قرارداد ذکر شده باشد ، شرطی که حتی وجود قرارداد معلق برآن باشد . در اینصورت شک نیست که عدم تحقق معلق علیه اثر قرارداد را از میان خواهد برد .

۲ - هنگامی که در موضوع معامله وصفی عاده^۲ منظور عرف نباشد و هر دو طرف قرارداد نیز آنرا در نظر نداشته باشند بلکه فقط یکی از متعاملین بغلط تصور وجود آنرا کرده باشد ، این اشتباه طبق پاره‌ای آراء صادر ارداد گاههای فرانسه در صحت معامله مؤثر نیست .

اگر نظریهٔ شخصی محض را بپذیریم این اشتباه باید مؤثر باشد ، چه ارادهٔ متعامل بعلت این اشتباه معلول شده است . لیکن امنیت و استحکام قراردادها موجب قبول این محدودیت گردیده است . بدینسان داد گاه مدنی^۳ از ابطال معاملهٔ تابلوئی از دلاکروا^۴ که خریدار بغلط تصور میکرده که زینت بخش اطاق این هنرمند بوده خودداری میکنند (رأی ۸ دسامبر ۱۹۵۰ ، دالوز ۱۹۵۱ ، ص ۵۰) و نیز دادگاه

بخش نانت تقاضای ابطال فروش یک تابلوی نقاشی را که از نقاش قابلی بوده ولی خریدار اشتباه آن را تصویر سارا برنار^۱ تصور میکرده رد میکند (رأی ۲۳ ژانویه ۱۹۴۷ ، گازت دوپاله ، ۱۹۴۷ ، بخش ۱ ، ص ۱۲۹) و دادگاه استیناف امین^۲ حکم به صحت اجاره شکارگاهی میدهد که مستأجر تقاضای ابطال آنرا داشته، بدان جهت که فکر میکرده شکار بیشتری در آن موجود است (رأی ۳ نوامبر ۱۹۵۴ ، گازت دوپاله ، ۱۹۵۵ ، بخش ۱ ، ص ۶۹) .

۳ - هرگاه فایده منظور در موضوع معامله احتمالی باشد ، در صورتی که آن فایده حاصل نشود ، نمیتوان معامله را بعلت اشتباه در وصف اساسی ابطال کرد (شعبه مدنی دیوان تمیز ، رأی ۱۶ مه ۱۹۳۹ ، سیره ۱۹۳۹ ، بخش ۱ ، ص ۲۶۰) بنابراین اگر کسی کالائی خریداری کند ، بمنظور اینکه آنرا به خارجه صادر نماید ، در دوره ای که صدور کالا بخارج جز در موارد استثنائی ممنوع است ، و نتواند اجازه صدور تحصیل کند ، یا اگر کسی مالی را بخرد برای اینکه آنرا بقیمت بیشتری بفروشد ولی سودی از آن نبرد نمیتواند ابطال معامله را تقاضا کند ، چه قرارداد از آغاز متضمن خطر بوده و فایده منظور از موضوع معامله احتمالی بوده است .

۴ - اشتباه در قیمت موضوع معامله را نیز در صورتی که عامل اصلی قرارداد باشد میتوان اشتباه در وصف اساسی موضوع آن تلقی کرد ولی این اشتباه جز در موارد استثنائی که در قانون آمده موجب ابطال معامله نمیشود (رأی شعبه مدنی دیوان تمیز فرانسه ، مورخ ۱۶ مه ۱۹۳۹ ، سیره ۱۹۳۹ ، بخش ۱ ، ص ۲۶۰) . اصل استحکام و امنیت معاملات در اینجا نیز موجب تحدید نظریه شخصی اشتباه شده است . در واقع ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی فرانسه اصل غیر قابل ابطال بودن معامله بعلت غبن را می پذیرد و فقط در موارد استثنائی غبن را از عیوب اراده معرفی میکند . ابطال معامله بعلت اشتباه در قیمت جز در مواردی که قانونگذار صریحاً پذیرفته در

۱- Sarah Bernard

۲- Amiens

حقیقت مخالف این ماده است^۱.

اثر اشتباه در خود موضوع

اشتباه در خود موضوع معامله به معنایی که گفته شد در حقوق فرانسه موجب بطلان نسبی است که مفهومی نزدیک به عدم نفوذ در حقوق ایران است. برای روشن شدن موضوع بی‌مناسبت نیست انواع بطلان را در حقوق فرانسه باختصار بررسی کنیم. در حقوق این کشور دو نوع بطلان شناخته شده است: بطلان مطلق و بطلان نسبی یا قابلیت بطلان. این دو نوع بطلان در صورتی که مورد حکم دادگاه واقع شوند، دارای آثار واحدی هستند لیکن در احکام آنها اختلافاتی بشرح زیر دیده میشود:

الف - در بطلان مطلق هر ذینفع میتواند به آن استناد کند اما بطلان نسبی فقط بوسیله کسی که حمایت از او مورد نظر قانونگذار بوده قابل استناد است (مانند سکره یا کسی که در نتیجه اشتباه مؤثر در صحت، قرارداد بسته است).

ب - در مورد بطلان مطلق عمل قابل تنفیذ و رفع عیب نیست (مانند قرار دادی که در حال مستی واقع شود یا جهت آن نامشروع باشد) اما در مورد بطلان نسبی کسی که حق استناد به بطلان دارد میتواند عمل را تنفیذ کند.

ج - بطلان مطلق غیر قابل مرور زمان است یا بقولی مدت مرور زمان آن درازتر از مرور زمان بطلان نسبی است: مرور زمان بطلان مطلق ۳ سال و مرور زمان بطلان نسبی ۵ سال است^۲ چه هدف در بطلان مطلق حمایت از منافع عمومی و در بطلان نسبی حمایت از منافع خصوصی است^۳.

حال که مفهوم بطلان نسبی و فرق آن با بطلان مطلق روشن شد باید بگوئیم که در حقوق فرانسه اموری که عیب اراده تلقی شده موجب بطلان نسبی است و

۱ - ریپر - بولانژه: کتاب مذکور، ش ۱۶۰؛ - مارتی ورنو، ش ۱۲۳، ص ۱۱۴.
 ۲ - مدت مرور زمان بطلان نسبی در گذشته ده سال بوده و بموجب قانون مورخ ۳ ژانویه ۱۹۶۸ به ۵ سال تقلیل یافته است (ماده ۴، ۱۳ اصلاحی قانون مدنی فرانسه).
 ۳ - ژولیودولاموراندر: حقوق مدنی (پرسی دالوز)، ج ۱، ش ۱۱۶، ج ۲، ش ۳۹۴ بعد؛ - کاربنیه: ج ۲، ش ۱۳۱؛ - دیکسیونر حقوقی دالوز، کلمه nullité

اشتباه در خود موضوع نیز از این قبیل است . ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی فرانسه صریحاً اعلام میدارد که اشتباه موجب بطلان مطلق نمیشود بلکه فقط حق دعوی بطلان به اشتباه کننده میدهد . عبارت دیگر معامله‌ای که بر اثر اشتباه در خود موضوع منعقد شده باشد قابل ابطال به تقاضای اشتباه کننده است .

بخش دوم - اشتباه در خود موضوع معامله در حقوق ایران

طبق ماده ۲۰۰ قانون مدنی « اشتباه وقتی موجب عدم نفوذ معامله است که مربوط به خود موضوع معامله باشد » . این ماده از ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی فرانسه گرفته شده و چنانکه گفتم قانونگذار کلمه substance را به خود ترجمه کرده است . معهداً در تفسیر ماده ۲۰۰ نظرها یکسان نیست و سه نظریه در این باب می توان ارائه کرد .

نظریه اول

بعضی از حقوقدانان^۱ ماده ۲۰۰ را ناظر به موردی دانسته‌اند که هر یک از طرفین معامله چیزی را در نظر داشته باشد که منظور دیگری نیست و توافق اراده در زمینه موضوع وجود نداشته باشد ، موردی که از آن در حقوق فرانسه به اشتباه در هویت موضوع تعبیر میکنند . « مثلاً هرگاه کسی بمغازه‌ای برود و قیمت پیراهنی را بپرسد و آنرا بخرد بعد در موقع تسلیم معلوم گردد که فروشنده قیمت زیر پیراهنی را گفته و آنرا فروخته است »^۲ این اشتباه مشمول ماده ۲۰۰ است . همچنین است اگر کسی به شخص دیگر پیشنهاد کند که خانه‌ای را که در تهران دارد بقیمت معینی به او بفروشد و طرف مقابل به تصور آنکه بایع فروش خانه تبریز خود را به او پیشنهاد میکند معامله را قبول نماید .

۱ - دکتر امامی : حقوق مدنی ، ج ۱ ، ص ۱۸۷ ؛ - منصور السلطنه (مصطفی) عدل : حقوق مدنی ، چاپ هفتم ، ش ۲۳۰ ، ص ۱۱۹ ؛ - حائری شاهباغ : شرح قانون مدنی ج ۲ ، شرح ماده ۲۰۰ .

۲ - مثال از استاد دکتر امامی است .

اینگونه اشتباه موجب بطلان معامله است زیرا مانع حصول توافق اراده می‌باشد که طبق مواد ۱۸۳ و ۱۹۴ و ۳۳۹ قانون مدنی شرط اساسی صحت معامله است. در هر قرارداد باید یکی از طرفین همان چیزی را قبول کند که طرف دیگر ایجاب کرده است و اگر هر یک از متعاملین به موضوعی که غیر از موضوع مورد نظر دیگری است توجه داشته باشد به علت عدم توافق اراده و به تعبیر فقهای اسلامی به علت عدم مطابقت ایجاب و قبول قرارداد واقع نخواهد شد. این نوع اشتباه در حقوق فرانسه موجب بطلان مطلق شناخته شده و در فقه امامیه نیز در بطلان این گونه قرارداد تردیدی نیست و حتی بعضی از فقهاء بطلان قرارداد را در این مورد از بدیهیات حقوقی دانسته‌اند^۱.

اگر ماده ۲ را ناظر به اشتباه در مورد فوق بدانیم دیگر کلمه عدم نفوذ مذکور در ماده را نمیتوان به معنی عدم نفوذ اصطلاحی که ضمانت اجرائی خفیفتر از بطلان است و عیبی است که با تنفیذ بعدی قابل رفع میباشد گرفت، بلکه باید گفت منظور از عدم نفوذ بطلان به معنی مصطلح در حقوق ماست. ممکن است ایراد شود که بعد است قانونگذار که به اصطلاحات حقوقی واقف بوده عدم نفوذ را بمعنی بطلان بکار برده باشد. پاسخ آن است که کلمات نفوذ و عدم نفوذ و همچنین نافذ و غیر نافذ در فقه اسلامی و قانون مدنی همیشه بیک معنی بکار نرفته است. قانونگذار در پاره‌ای مواد نافذ را بمعنی الزام آور بکار برده است (ماده ۱ قانون مدنی) و غیر نافذ را بمعنی عملی

۱ - میرزای نائینی در این زمینه میگوید: « لایحفی ان اعتبار التطابق من القضا یا التی قیاساتها معالان العقد عبارة عن اسرو حدانی متحصل عن الايجاب و القبول فلوانشأ احدهما البيع والاخر قبل بعنوان الهبة او احدهما باع الجارية والاخر اشترى العبد لم يتحصل معنى واحد منهما لعدم ارتباط كلام احدهما بالآخر (منیة الطالب، ج ۱، ص ۱۱۴). و نیز رجوع شود به: شیخ انصاری، مکاسب، ج ۱، ص ۱۰۱؛ حاج ملاهاشم خراسانی، رساله تجارت، ص ۶؛ سید ابوالحسن اصفهانی، وسیلة النجاة، ج ۲، ص ۳.

که بر اثر فقدان پاره‌ای شرایط و تمام نبودن، الزام آور نیست^۱. در اینصورت غیر نافذ دارای معنایی اعم از باطل و غیر نافذ بمعنی اخص است که فقهاء از آن عموماً به موقوف تعبیر کرده‌اند. مثلاً ماده ۲۱۳ قانون مدنی میگوید: «معامله محجورین نافذ نیست»، درحالی که ماده ۲۱۲ مقرر می‌دارد: «معامله با اشخاصی که بالغ و یا عاقل یا رشید نیستند بواسطه عدم اهلیت باطل است». با توجه باینکه معاملات محجورین نه بطور کلی باطل و نه بطور کلی غیر نافذ است، بلکه برحسب مورد گاهی باطل و گاهی غیر نافذ محسوب میشود (ماده ۱۲۱۴ قانونی مدنی) باید گفت که کلمه باطل در ماده ۲۱۲ و کلمه غیر نافذ در ماده ۲۱۳ بمعنایی اعم از باطل و غیر نافذ بمعنی اخص بکار رفته و هر دو مفهوم را دربر میگیرد. بنابراین میتوان گفت کلمه عدم نفوذ در مواد ۱۹۹ و ۲۰۰ قانون مدنی نیز بمعنایی اعم از بطلان و عدم نفوذ بمعنی اخص بکار رفته است. البته به کمک دلائل دیگر پی میبریم به اینکه اشتباه مذکور در ماده ۲۰۰ قانون مدنی موجب بطلان معامله است.

انتقاد - نظریه فوق، علاوه بر اینکه با هیچیک از نظریاتی که در تفسیر ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی فرانسه ابراز شده منطبق نیست دارای این عیب است که قلمرو ماده ۲۰۰ را فقط به موردی که توافق اراده در موضوع وجود ندارد و به اصطلاح حقوق فرانسه به مورد اشتباه در هویت موضوع محدود میکند، درحالی که موارد

۱ - مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی در وسیلة النجاة در مورد معامله‌ای که از جانب غیر مالک و محجور واقع شده باشد میگوید: «معنی عدم الوقوع من غیر المالك كالفضولی اوالمحجور علیه عدم اللزوم و النفوذ لكونه لغوا». (ج ۲، ص ۱۶). چنانکه ملاحظه میشود کلمه نفوذ در این عبارت به لزوم عطف شده و ظاهراً مترادف با آن تلقی گردیده است. حائز شایه‌باغ در شرح قانون مدنی خود پس از اینکه اعلام میکند که اگر فروشنده قصد معامله‌خانه موروثی خود را داشته باشد و اشتباهاً خانه خریداری خود را مورد معامله قرار دهد معامله واقع نشده است، چنین استدلال میکند: «چون آنچه مقصود بوده واقع نشده است، برحسب قاعده مسلمة ثابتة العقود تابعة للقصد چنین معامله نافذ نیست، یعنی کسی که اشتباه کرده است ملزم به ترتیب اثر به آن معامله نمی‌باشد» (شرح قانون مدنی، ج ۲، شرح ماده ۲۰۰). پیدا است که شارح ناسبرده که با کتب و اصطلاحات فقهی مأنوس بوده نافذ را بمعنی الزام آور بکار برده است.

دیگری هست که اشتباه مهم است و باید موجب بطلان معامله باشد. اگر کسی قاشق و چنگالی بخرد به تصوراتی که از نقره است و بعد معلوم شود که برنج و نقره ناست آیا این اشتباه نباید موجب بطلان معامله باشد. در مورد بیع ماده ۳۵۳ قانون مدنی این اشتباه را موجب بطلان دانسته مقرر می‌دارد: « هرگاه چیز معین بعنوان جنس خاصی فروخته شود و در واقع از آن جنس نباشد بیع باطل است... » لیکن این قاعده در فصل بیع آمده است و در فصل قواعد عمومی معاملات یک قاعده کلی که این گونه اشتباه را موجب بطلان قرارداد تلقی کند دیده نمی‌شود و حال آنکه میبایست چنین قاعده‌ای در قانون مدنی وجود داشته باشد.

نظریهٔ دوم

بعضی از حقوقدانان تعبیر فوق را قابل انتقاد دانسته و در تفسیر ماده ۲۰۰ نظریهٔ شخصی را منطقی‌تر تلقی کرده و به پیروی از دکترین و رویه قضائی فرانسه « خود موضوع » را عبارت از اوصاف اساسی موضوع دانسته‌اند. بنابراین نظریه، اشتباه در وصفی که در نظر طرفین معامله اصلی و اساسی بوده اراده را معلول می‌کند و در صحت معامله مؤثر است^۱.

حال به بینیم بنابراین نظریه، عدم نفوذ مذکور در ماده ۲۰۰ دارای چه معنایی خواهد بود. بعضی از حقوقدانان آنرا بمعنی عدم نفوذ اصطلاحی گرفته‌اند^۲ زیرا اشتباه در سوپستانس که در ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی ذکر شده موجب بطلان نسبی است که مفهومی نزدیک به عدم نفوذ در حقوق ایران است. بعضی دیگر از حقوقدانان، با اینکه حکم به بطلان عقد را، با توجه به ماده ۷۶۲ قانون مدنی که اشتباه در مورد صلح را صریحاً موجب بطلان معرفی کرده، از نظر علمی و حقوقی قوی‌تر دانسته‌اند، قول به عدم نفوذ را از لحاظ مزایای عملی آن مورد توجه قرار داده‌اند، چه اگر عقد ناشی از اشتباه غیر نافذ باشد سرنوشت عقد فقط در دست کسی

۱ - دکتر کاتوزیان: حقوق مدنی، ش ۲۷۸ و نیز رجوع شود به: دکتر جعفری -

لنگرودی: تأثیر اراده در حقوق مدنی، ش ۵۵۶ بعد.

۲ - دکتر جعفری: تأثیر اراده در حقوق مدنی، ش ۵۵۶.

است که در اشتباه بوده است و او میتواند معامله را تنفیذ یا رد کند، درحالی که اگر نظریه بطلان عقد پذیرفته شود طرفی هم که اراده کامل داشته است حق دارد از این بطلان استفاده کند و از اجرای تعهد خویش سر باز زند^۱.

انتقاد - اشکال مهمی که بر این نظریه وارد است اینست که نظریه مذکور با قواعد دیگری که از حقوق اسلامی گرفته شده است هماهنگ نیست. بنابراین نظریه، اشتباه در وصفی که در نظر متعاملین اساسی و تعیین کننده بوده باید موجب بطلان یا لااقل عدم نفوذ باشد، درحالی که طبق مواد ۲۳۵ و ۴۱۰ بعد قانون مدنی، تخلف وصف موجب خیار فسخ است نه بطلان یا عدم نفوذ. بعبارت روشن تر هرگاه اوصافی برای مورد معامله ذکر شود یا حتی بدون ذکر در عقد مورد نظر طرفین و مقرر بین آنان باشد و بعبارت دیگر بنای عقد بر آن باشد، اگر بعد معلوم شود که مورد معامله دارای اوصاف مقرر نبوده معامله قابل فسخ است. مثلاً اگر کسی یک تخته قالی بخرد به تصور اینکه کاشانی است و پس از معامله معلوم شود که قالی بافت تبریز است، در صورتی که وصف کاشانی در معامله صریحاً یا ضمناً شرط یا قید شده باشد، معامله قابل فسخ از جانب خریدار است، نه باطل یا غیر نافذ (مواد ۲۳۵ و ۴۱۰ قانون مدنی).

برای احتراز از اشکالات وارد به نظریه های اول و دوم میتوان نظریه ثالثی را در تفسیر ماده ۲۰۰ براساس آنچه بعضی از فقهای امامیه گفته اند پیشنهاد کرد.

نظریه سوم

میتوان گفت خود موضوع در ماده ۲۰۰ عبارت از صورت عرفیه موضوع معامله است، یعنی خصوصیتی که عرفاً موجب تمیز موضوع معامله از اشیاء دیگر میگردد. مثلاً خرید کفش مردانه بجای زنانه و خرید باغ بجای زمین و خرید قاشق و چنگال نقره نما بجای نقره و خرید مال جدید بجای عتیقه از مصادیق اشتباه در صورت عرفیه موضوع است. بطور کلی اشتباه در صورت عرفیه هنگامی صدق میکند که آنچه مقصود

طرف معامله بوده با آنچه مورد معامله واقع شده عرفاً متباین و متغایر باشد و به بیان ساده تر عرف آنها را دو چیز مختلف بداند اعم از اینکه آنها از جنس مختلف باشند یا نه. البته فرض اینست که موضوع ایجاب و قبول یک مال معین است و فقط در صورت عرفیه آن یکی از طرفین معامله یا هردو اشتباه کرده‌اند، نه آنکه موضوع ایجاب و قبول دو چیز مختلف باشد که در اینصورت معامله بعلت فقدان توافق اراده و عدم مطابقت ایجاب و قبول باطل است.

حال به بینیم اشتباه در خود موضوع به معنایی که گفته شد موجب بطلان عقداست یا عدم نفوذ. این اشتباه را همانطور که بعضی از فقهای امامیه گفته‌اند باید موجب بطلان معامله دانست، زیرا مصداق بازر تخلف عقد از قصد است. میرزای نائینی در این زمینه میگوید: «قاعدة» العقود تابعة للقصد» محل استعمالش همین جا است، چه مثلاً آنچه بایع قصد کرده و درازاء آن ثمن را پرداخته منتفی است و آنچه موجود است مقصود نبوده و درازاء آن چیزی پرداخت نشده است»^۱.

بنابراین چون اشتباه در صورت عرفیه موضوع به یکی از ارکان عقد لطمه میزند باید موجب بطلان معامله باشد و کلمه عدم نفوذ در ماده ۲۰۰ باید بمعنی بطلان گرفته شود.

اما اگر اشتباه در اوصاف فرعی و عوارض مورد معامله روی داده باشد و آنچه در خارج وجود دارد عرفاً با چیزی که مقصود بوده مغایر نباشد معامله را نمیتوان باطل تلقی کرد، اگر چه قید یا شرط آن در عقد، بطور صریح یا ضمنی، موجب خیار فسخ است (مانند اشتباه در وصف کاشانی بودن قالی یا بازده زراعی زمین یا قابلیت زمین برای ساختن مدرسه یا آمادگی حیوان برای استفاده مورد نظر و امثال اینها). میرزای نائینی بعد از اینکه اشتباه در صورت عرفیه موضوع را، اعم از اینکه بصورت شرط یا وصف یا قید باشد، موجب بطلان عقد معرفی میکند راجع به اشتباه در اوصاف

۱ - منیة الطالب، ج ۲، ص ۱۳۵؛ و نیز رجوع شود به: شیخ انصاری، مکاسب

ج ۲، ص ۲۵۰ (در خیار رؤیت)؛ میرزای قمی، جامع الشتات، کتاب التجارة، ص ۱۱۹؛ دکتر جعفری لنگرودی، کتاب مذکور، ش ۵۴۶ بعد.

فرعی موضوع چنین میگوید: « خصوصیتی که موضوع معامله فاقد آن است گاهی فرعی است، بدین معنی که انتفاء آن موجب اختلال در مبادله مالین نمیگردد، و چنان نیست که آنچه در خارج موجود است با چیزی که عقد بر آن واقع شده عقلا و عرفاً مباین باشد، اگرچه التزام به بودن یکی از دو مال عوض دیگری منوط به وجود خصوصیت مزبور باشد. در اینصورت انتفاء خصوصیت مورد نظر موجب انتفاء التزام است نه انتفاء اصل مبادله»^۱.

بنابراین نظریه، منظور از ماده ۲۰۰ اشتباه در صورت عرفیه موضوع است نه در عوارض آن. اشتباه در صورت عرفیه موجب بطلان عقداست اما اشتباه در عوارض و بعبارت دیگر اشتباه در اوصافی که صورت نوعیه موضوع معامله را تشکیل نمیدهد، در صورتی که وجود این اوصاف بطور صریح یا ضمنی در قرارداد ذکر شده باشد، موجب خیار است. با قبول این نظریه در تفسیر ماده ۲۰۰ هماهنگی بین قواعد مربوط به خیار تخلف وصف و خیار شرط و قاعده اشتباه در خود موضوع حاصل و اشکالی که در این خصوص به نظریه دوم وارد بود مرتفع خواهد شد. و نیز آنچه در ماده ۲۰۰ آمده با حکم مندرج در ماده ۳۵۳ راجع به اشتباه در جنس مبیع و ماده ۷۶۲ راجع به اشتباه در مورد صلح^۲ موافق خواهد بود.

مقایسه - اگر نظریه اخیر را با نظریاتی که در تفسیر ماده ۱۱۱ قانون مدنی فرانسه ابراز شده مقایسه کنیم می بینیم که نظریه مذکور با نظریه ابری و رو و گدسه که نظریه ای مختلط بود قابل انطباق است. ابری و رو می گفتند: «منظور از سوستانس نه فقط عنصر مادی موضوع است بلکه علاوه بر آن، خصوصیات است که اجتماع آنها طبیعت خاص موضوع را در نظر عرف تشکیل میدهد». گدسه نیز اوصافی را اساسی میدانست که نوع و طبقه تجارتنی موضوع را بر حسب عرف تعیین میکردند. در واقع خصوصیات مورد نظر ابری و رو و گدسه همان خصوصیات است

۱ - منیة الطالب، ص ۱۳۵.

۲ - ماده ۷۶۲ قانون مدنی: « اگر در طرف معامله و یا در مورد صلح اشباهی واقع شده

باشد صلح باطل است ».

که به تعبیر بعضی از حقوقدانان اسلامی صورت عرفیه و به تعبیری دیگر صورت نوعیه موضوع را تشکیل میدهد .

تفاوت ماده ۱۱۱ قانون مدنی فرانسه بنا بر تفسیر ابری و رو و گدسه با ماده ۲۰۰ قانون مدنی ایران بنا بر تفسیر اخیر که از آن کردیم این خواهد بود که اشتباه در سویتانس در حقوق فرانسه موجب بطلان نسبی شناخته شده، در حالی که اشتباه در صورت عرفیه موضوع در حقوق ایران موجب بطلان مطلق است. بنظر میرسد که قول به بطلان مطلق در این مورد موجه تر است زیرا اشتباه در صورت عرفیه بقدری مهم است که به قصد معتبر در معامله لطمه میزند و موجب تخلف عقد از قصد میگردد^۱. پس باید موجب بطلان مطلق باشد.

۱ - ما قصد لم یقع و ما وقع لم یقصد .

منابعی که در تهیه این مقاله مورد استفاده واقع شده است

الف - به زبان فرانسه

- 1) AUBRY (C.) et RAU (C.), Cours de Droit civil français, t. 4^o, 6^o édit. par Bartin.
- 2) CARBONNIER (J.), Droit civil, t. II, Paris 1962.
- 3) CODE CIVIL français, Dalloz 1968.
- 4) GAUDEMET (E.), Théorie générale des obligations, Paris 1965.
- 5) JULLIOT de la MORANDIERE (L.), Droit civil (Précis Dalloz), t. II, Paris 1961.
- 6) MARTY (G.) et RAYNAUD (P.), Droit civil, t. II, Ier vol., Paris 1962.
- 7) MAZEAUD (J.H.L.), Leçons de Droit civil, t. II, Paris 1962.
- 8) PLANIOL (M.), RIPERT (G.) et ESMEIN (P.), Droit civil français, t. VI, Paris 1952.
- 9) RIPERT (G.) et BOULANGER (J.), Droit civil, t. II, Paris 1957.

ب - به زبان فارسی و عربی

- ۱ - اصفهانی (سید ابوالحسن) ، وسیلة النجاة ، چاپ هفتم ، نجف ۱۳۶۳ قمری .
- ۲ - امامی (دکتر سید حسن) ، حقوق مدنی ، ج ۱ ، چاپ دانشگاه تهران ۱۳۳۵ .
- ۳ - شیخ انصاری ، مکاسب ، چاپ تبریز ، ج ۱ ، ۱۳۷۴ ، ج ۲ ، ۱۳۷۵ قمری .
- ۴ - دکتر جعفری لنگرودی ، تأثیر اراده در حقوق مدنی . تهران . ۱۳۴۰ .
- ۵ - حائری شاهباغ (سید علی) ، شرح قانون مدنی ، ج ۲ ، چاپ تهران .
- ۶ - خراسانی (حاج ملا هاشم) رساله تجارت ، چاپ سنگی ۱۳۴۹ قمری .
- ۷ - عدل ، منصورالسلطنه (مصطفی) حقوق مدنی ، چاپ هفتم ، تهران ۱۳۴۲ .
- ۸ - کاتوزیان (دکتر ناصر) ، حقوق مدنی ، ج ۱ ، چاپ دوم ، ۱۳۴۶ .
- ۱ - میرزای نائینی ، منیة الطالب فی حاشیة مکاسب ، چاپ قم ، ج ۱ ، ۱۳۷۳ ، ج ۲